

کشف استدلالی ترتیب نزول سوره فتح با روش روایی - اجتهادی

محمد خامه گر *

چکیده

قرآن پژوهان و مفسران برای کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن، دو روش دارند: یکی روش اجتهادی محض که بدون توجه به روایات ترتیب نزول و براساس ویژگی‌های ظاهری یا محتوایی سوره‌ها ترتیب نزول آن‌ها را مشخص می‌کنند؛ دوم روش روایی محض که روش رایج متقدمان بوده است. در این روش برای شناسایی ترتیب نزول سوره‌های قرآن، به نقل روایات ترتیب نزول بسنده می‌کردند. در این نوشتار برای نخستین بار روش جدیدی را به نام روش روایی - اجتهادی معرفی، با آن ترتیب نزول سوره فتح را شناسایی و با شواهد متعدد، جایگاه نزولی این سوره را اثبات می‌کنیم.

روایات ترتیب نزول، چهار دیدگاه درباره جایگاه نزولی سوره فتح آورده و آن را سوره نازل شده پس از سوره‌های ممتحنه، تغابن، صف و نور گزارش کرده‌اند. اگرچه اکثر روایات ترتیب نزول، این سوره را در ردیف آخرین سوره‌های نازل شده، سوره ۱۱۲ یا ۱۱۳، گزارش کرده‌اند، در این نوشتار با شواهد متعدد به روش روایی - اجتهادی ثابت کرده‌ایم این سوره پس از سوره نور نازل شده است و در رتبه ۹۳ جدول ترتیب نزول قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: سوره فتح، سوره نور، روایات ترتیب نزول سوره‌ها، روش‌های کشف ترتیب نزول سوره‌ها.

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم. (khamegar@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۱۲.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم تفسیر و علوم قرآن، روش شناسایی ترتیب نزول سوره‌های این کتاب آسمانی است. پیامبر اکرم ﷺ سوره‌های قرآن را به همان ترتیبی به مردم ابلاغ می‌کرد که بر وی نازل می‌شد و همه اصحاب پیامبر ﷺ از ترتیب نزول سوره‌ها مطلع می‌شدند؛ اما با گذشت زمان، ترتیب نزول سوره‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و روایات و گزارش‌های تاریخی متعدد و متفاوتی از ترتیب نزول سوره‌ها به نسل‌های بعدی انتقال داده شد. هم‌اکنون چهارده روایت مختلف از ترتیب نزول سوره‌های قرآن به دست ما رسیده است. این روایات به چهارده تن از امامان شیعه، صحابه و تابعان می‌رسند. اسامی راویان عبارت است از: ۱- عطا خراسانی، ۲- عکرمه، ۳- حسن بصری، ۴- ابی کریب از ابن عباس، ۵- مجاهد، ۶- ابن مسیب از امام علی، ۷- امام صادق ﷺ، ۸- عطا از ابن عباس، ۹- ابی صالح از ابن عباس، ۱۰- جابر بن زید، ۱۱- مقاتل بن سلیمان، ۱۲- محمد بن نعمان، ۱۳- مقاتل از امام علی، ۱۴- زهری. (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۲۹)

قرآن پژوهان و مفسران برای کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن، دو روش کلی دارند. روش نخست، روش روایی محض است که روش رایج متقدمان بوده است. در این روش برای شناسایی ترتیب نزول سوره‌ها به نقل روایات ترتیب نزول بسنده می‌کردند و یک یا چند روایات ترتیب نزول را که از نظرشان اعتبار بیشتری داشت، معیار شناسایی قرار می‌دادند. علامه طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان (۱۳۷۲: ۶۱۲/۱۰) و عبدالرحمن سیوطی در کتاب *الإتقان فی علوم القرآن* (۱۴۲۱: ۱۱۱/۱) از این روش استفاده کرده‌اند.

روش دوم، روش اجتهادی محض است: محققان بدون توجه به روایات ترتیب نزول و فقط بر اساس ویژگی‌های ظاهری یا محتوایی سوره‌ها ترتیب نزولشان را مشخص می‌کنند؛ مانند روش مهندس بازرگان که بر اساس طول متوسط آیات، ترتیب نزول جدیدی از سوره‌های قرآن را به دست آورده است (بازرگان، ۱۳۵۵: ۱۳) و روش مستشرقانی مانند نولدکه، بلاشر، ریچارد بل که با توجه به آهنگ، مضمون و سبک سوره‌ها

فهرستی از ترتیب نزول سوره‌های قرآن عرضه کرده‌اند که با ترتیب روایی بسیار اختلاف دارد (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۱).

در این نوشتار، با ترکیب این دو روش و افزودن معیارهای جدید، روش جدیدی را به نام روش روایی-اجتهادی ابداع کرده‌ایم. پس از معرفی فرآیند استفاده از این روش، ترتیب نزول سوره فتح را که محل اختلاف روایات ترتیب نزول است، شناسایی و با شواهد متعدد جایگاه نزولی این سوره را اثبات کرده‌ایم.

فرآیند کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن با روش روایی-اجتهادی

کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن با روش روایی-اجتهادی، وامدار کاربرد روشمند راهکارهای قرآنی و روایی گوناگونی است که در شناسایی ترتیب نزول سوره‌های تأثیرگذار است. برای استفاده نظام‌مند از این راهکارها در فرآیند کشف ترتیب نزول سوره‌ها باید با توجه به قواعد کاربرد این راهکارها، فرآیند علمی کشف ترتیب نزول را در سه مرحله طی کرد.

مرحله اول: تعیین جایگاه نزولی سوره و پذیرش اجماع روایات ترتیب نزول

نخستین گام برای کشف استدلالی ترتیب نزول هر سوره‌ای این است که با بررسی روایات ترتیب نزول، جایگاه نزولی سوره را مشخص کنیم. مراد از جایگاه نزولی سوره این است که سوره از نظر روایات، پس از کدام سوره نازل شده است و قول مشهور در ترتیب نزول این سوره چیست. برای شناسایی جایگاه نزولی سوره، پس از مقایسه روایات ترتیب نزول، یکی از دو حالت زیر درباره جایگاه نزولی سوره مشخص می‌شود.

حالت نخست این است که همه روایات ترتیب نزول، بر نزول سوره‌ای پس از سوره دیگر اجماع کرده باشند؛ در این صورت، این جایگاه را باید قطعی و معتبر دانست، به جایگاه نزولی آن سوره نباید تردید کرد و اثبات آن نیازمند شواهد و مؤیدات دیگر نیست. همه روایات در ترتیب نزول ۴۲ سوره از ۱۱۴ سوره اجماع کرده‌اند (سلمان‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۲۵)؛ یعنی اجماع بر نزول این سوره بعد از سوره قبل، اگرچه در شماره نزول با یکدیگر

اختلاف دارند؛ برای مثال، همگی بر نزول سوره بروج بعد از سوره شمس اجماع کرده و بیشترشان سوره بروج را در جایگاه ۲۷ جدول ترتیب نزول قرار داده‌اند؛ اما ابی صالح این سوره را در جایگاه ۲۵ و مقاتل آن را در جایگاه سوره ۲۳ قرار داده است.

اگر روایات ترتیب نزول درباره جایگاه نزول سوره‌ای پس از سوره دیگر اختلاف داشته باشند، ولی اکثر روایات ترتیب نزول بر یک جایگاه نزولی خاص سوره تأکید کنند، فرآیند کشف ترتیب نزول سوره وارد مرحله دوم می‌شود.

مرحله دوم: ارزیابی جایگاه مشهور سوره با شواهد قرآنی و روایی

در روش روایی - اجتهادی برای کشف ترتیب نزول سوره، فقط به جمع‌بندی گزارش‌ها در روایات ترتیب نزول بسنده نمی‌کنند، بلکه پس از شناسایی قول مشهور در ترتیب نزول سوره، با توجه به قرائن قرآنی و روایی، قول مشهور را ارزیابی می‌کنند. اگر قرائن روایی در این مرحله، صحت سندی و استحکام متنی لازم را داشته باشند، و شواهد قرآنی از صراحت لازم برخوردار باشند، می‌توانند دیدگاه مشهور درباره ترتیب نزول سوره را نقض و ترتیب دیگری را اثبات کنند که موافق قول شاذ باشد. دلایل و قرائنی که در ترجیح یک قول در روایات ترتیب نزول بر اقوال دیگر تأثیر مستقیمی دارند و با کمک آنها می‌توان جایگاه نزولی سوره را تعیین کرد به ترتیب اولویت و کارایی عبارت‌اند از:

۱- وقایع تاریخی سوره

کتاب قرآن در گستره محدود زمانی - مکانی خاصی نازل شده است؛ از این رو برخی رویدادهای جامعه نزول در قرآن گزارش شده است. توجه به تاریخ این رویدادها می‌تواند در کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن تأثیر بسزایی بگذارد. برای استفاده از گزارش‌های تاریخی در شناسایی ترتیب نزول سوره‌ها باید به چند نکته توجه کرد:

الف - آیات تاریخی قرآن هیچ‌گاه مستقیم به تاریخ حوادث اشاره نمی‌کنند، بلکه زمان دقیق حوادث سوره‌ها را باید با توجه به مستندات معتبر تاریخی و روایات معتبر سبب نزول مشخص کرد؛ برای مثال، آیه ۶۱ سوره آل عمران به جریان مباحثه اشاره می‌کند؛ اما تاریخ

این حادثه را نمی‌گوید. تاریخ حادثه را فقط با روایات سیره پیامبر یا گزارش‌های تاریخی معتبر می‌توان تعیین کرد؛ بنابراین برای استفاده از گزارش‌های تاریخی قرآن در فرآیند کشف تاریخ نزول، باید پس از تعیین تاریخ دقیق یا تقریبی رخداد از منابع معتبر، از گزارش‌های قرآنی برای تعیین یا ترجیح ترتیب نزول سوره استفاده کنیم.

ب- اصل در گزارش‌های تاریخی قرآنی این است که آیه با فاصله اندک از حادثه نازل شده باشد؛ مگر قرینه‌ای برخلاف آن پیدا شود. این اصل مبتنی بر آن است که هر سوره قرآن در وضع خاصی نازل شده است تا واکنش مناسبی به پرسش‌ها یا مشکلاتی باشد که برای پیامبر و مسلمانان پیش آمده بود و روش مواجهه با این حوادث را به آن‌ها بیاموزد؛ برای مثال، علامه طباطبایی دربارهٔ اوضاع نزول سوره آل عمران و تأثیر آن بر جهت‌گیری محتوای سوره می‌گوید:

«این سوره زمانی بر پیامبر ﷺ نازل شد که حکومت اسلامی تا اندازه‌ای مستقر و پابرجا شده بود؛ زیرا این سوره از غزوه احد، ماجرای مباهله، وضعیت یهود و تحریک مسلمانان علیه مشرکان سخن می‌گوید و آن‌ها را به صبر، پافشاری و استحکام فرامی‌خواند. همهٔ این مطالب این ادعا را تأیید می‌کنند که سوره آل عمران زمانی نازل شد که مسلمانان به دفاع از دین مأمور شده بودند؛ به گونه‌ای که از یک سو باید در برابر سستی و ضعف مزدوران و منافقان تحت حمایت یهود و نصاری مقاومت می‌کردند و از سوی دیگر، باید در برابر مشرکان می‌جنگیدند.»
(۴۱۷: ۶/۳)

البته تردیدی نیست که اشارهٔ قرآن به رویدادهای صدر اسلام همواره با وقوع رویداد همراه نبوده است، بلکه گاه رویدادی اتفاق می‌افتاده و مدت‌ها بعد قرآن به مناسبتی آن رویداد را گزارش می‌کرده است. در این موارد، اگر قرینه‌های قطعی بر وجود فاصلهٔ وقوع حادثه و تاریخ نزول سوره وجود داشته باشد، از این رویداد تاریخی برای اثبات ترتیب نزول سوره استفاده نمی‌کنند؛ برای نمونه، آیات ۸۳ و ۸۴ سوره مائده در سال آخر هجرت

نازل شده و به یکی از حوادث هجرت مسلمانان به حبشه در سال پنجم بعثت اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۶۲).

۲- روایات اسباب نزول

روایات سبب نزول گزارشگر حوادث و وقایعی بودند که موجب نزول سوره یا آیاتی می‌شدند (معرفت، ۱۴۱۵: ۱/۲۴۱). نزول این آیات به همراه حوادث خاص از آن رو بوده است که به این حوادث پاسخ داده یا حکم آن‌ها را هنگام وقوعشان بیان کنند (صبحی صالح، ۱۹۶۸: ۱۳۲)؛ از این رو با توجه به همراهی و پیوستگی روایات سبب نزول و نزول سوره‌های قرآن می‌توان گفت روایات سبب نزول در مواردی با اشاره به تاریخ نزول آیات و سوره‌ها یا بیان تقدم و تأخر نزول آن‌ها، در ارزیابی روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن به محققان یاری می‌رسانند.

برای استفاده از روایات سبب نزول در ترجیح یکی از اقوال موجود در روایات ترتیب نزول سوره‌ها و تعیین جایگاه نزولی سوره باید به این نکته توجه کرد که روایت باید بیانگر سبب نزول آیه باشد، نه شأن نزول. سبب نزول مفهوم خاصی است که بر همه مفاهیم شأن نزول دلالت نمی‌کند؛ زیرا شأن نزول اصطلاح عام و فراگیری است که همه روایات مرتبط با نزول آیات و سوره‌ها مانند روایات سبب نزول، روایات تطبیق نزول، روایات پیشینه نزول، روایات جو نزول و روایات فضای نزول را پوشش می‌دهد. از همه این روایات، فقط روایات سبب نزول هستند که در فرآیند تعیین ترتیب نزول سوره‌ها کارایی دارند. برای تشخیص روایات سبب نزول از دیگر روایات شأن نزول باید به هماهنگی روایت با سیاق آیه و سوره توجه کرد؛ وگرنه نمی‌توان روایت را سبب نزول دانست.

۳- استناد آیات سوره‌ای به آیات سوره دیگر

از معتبرترین شواهد قرآنی در کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن، استناد برخی آیات سوره به سوره دیگر است. خدای سبحان مطلبی را در برخی سوره‌ها به اجمال و سپس آن

را به تفصیل در سوره‌هایی می‌گوید که پس‌ازاین نازل می‌شود؛ افزون‌براین، آیاتی به سوره‌هایی استدلال می‌کنند که پیش‌تر نازل شده‌اند. در چنین مواردی اگر با شواهد معتبر، آیات مدّ نظر شناسایی شوند، می‌توان با استناد به رابطه نزولی دو آیه مرتبط، تقدم و تأخر نزولی دو سوره را کشف کرد؛ برای نمونه در اکثر روایات ترتیب نزول، سوره حج در ردیف ۱۰۵ و ۱۰۴ و سوره فتح در ردیف ۱۱۲ و ۱۱۳ ترتیب نزول قرار دارند. این روایات به نزول سوره حج قبل از سوره فتح گواهی می‌دهند؛ ولی دو روایت مقاتل و روایت ابی‌صالح از ابن‌عباس، نزول سوره حج را پس از سوره فتح گزارش کرده‌اند. با بررسی محتوای این دو سوره متوجه می‌شویم که چون برخی آیات سوره حج به محتوای آیات سوره فتح اشاره کرده‌اند، گزارش دو روایت مقاتل و ابی‌صالح بر سایر روایات ترجیح دارد. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

(۱) آیه ۲۵ سوره فتح به رفتار ظالمانه مشرکان مکه با مسلمانان در جریان صلح حدیبیه و جلوگیری از ورود پیامبر و مؤمنان به مکه و اجرای مناسک حج اشاره و یادآوری می‌کند که آنان اجازه ندادند قربانی‌های مسلمانان به قربانگاه برسند. این کار مؤمنان را مجبور کرد حیواناتی را که برای قربانی آورده بودند، در حدیبیه ذبح کنند (هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُ). البته طبق یکی از مواد قرارداد حدیبیه مقرر شد مسلمانان در سال آینده به مکه بیایند و مراسم عمره و زیارت خانه خدا را آزادانه انجام دهند.

(۲) آیات ۲۵ تا ۳۷ سوره حج با اشاره به این حادثه که در جریان صلح حدیبیه واقع شد، پس از تهدید مشرکان به عذاب الهی به دلیل ممانعت از ورود مسلمانان به مسجد الحرام به دلیل مشکلاتی که برای مسلمانان در قربانی کردن پیش‌آمد، برخی احکام قربانی در حج را یادآوری می‌کند تا مسلمانان در سال آینده با رعایت این احکام بتوانند مراسم حج را با دقت بیشتری انجام دهند. محتوای آن دسته از آیات سوره حج که به این جریان اشاره می‌کنند، چنین است: آیه ۲۵ با عباراتی شبیه آنچه در آیه ۲۵ سوره فتح آمده

بود، به عذاب مشرکانی اشاره می‌کند که مانع ورود مسلمانان به مسجدالحرام شدند: کسانی که به پیامبر کافر شده‌اند و پیوسته مردم را از راه خدا و مؤمنان را از ورود به مسجدالحرام باز می‌دارند که ما آن را عبادتگاهی برای همه مردم قرار داده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که ساکنان آنجا و کسانی که از مناطق دیگر می‌آیند، در این بهره‌وری حقی یکی‌کسان دارند، برای آنان عذابی دردناک خواهد بود؛ زیرا هرکه در آنجا از روی ستم مردم را از عبادت منع کند، عذاب دردناکی به او خواهیم چشاند.^۱

در برخی روایات نیز آمده است که این آیه به جریان فوق مربوط است که در سال «حدیبیه» رخ داد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۸/۷). آیات ۳۲ تا ۳۷ نیز درباره احکام قربانی در حج است و به مواردی مانند جواز استفاده از حیوانات قربانی تا زمان رسیدن به مکه (محل قربانی) (آیه ۳۲ و ۳۳) و ضرورت ذکر نام خدا هنگام قربانی کردن و قصد قربت در این عمل عبادی (آیات ۳۴ تا ۳۷) اشاره می‌کند.

اشاره آیات سوره حج به جریان صلح حدیبیه و مسائل آن، که در سوره فتح آمده است، بیانگر این حقیقت است که سوره حج نیز پس از صلح حدیبیه و سوره فتح نازل شده است؛ اما اگر نزولش را قبل از سوره فتح بدانیم، قبل از رویدادهایی چون صلح حدیبیه، فتح مکه و در سال ششم هجری خواهد بود که با اشاره‌های تاریخی این سوره ناسازگار است.

۴- ارتباط نزولی محتوای دو سوره

ارتباط محتوایی دو سوره، قرینه‌ای است بر اینکه دو سوره نزدیک به هم و در یک دوره زمانی نازل شده‌اند؛ برای نمونه، یکی از نشانه‌های تقارن نزول سوره قلم و مزمل و نزول سوره مزمل پس از سوره قلم است، این است که خدای سبحان در هردو سوره به

۱. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَا لِلنَّاسِ سَوَاءٍ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

رسول اکرم توصیه‌های مشابهی می‌کند برای رفتار با کسانی که پیامبر را تکذیب کرده‌اند. این دو سوره به سه روش مشابه اشاره می‌کنند. (۱) واگذار کردن مجازات آن‌ها به خدا: ﴿فَذَرْنِي وَ مَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (قلم/۴۴)؛ ﴿وَ ذَرْنِي وَ الْمُكذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ مَهْلُهُمْ قَلِيلًا﴾ (مزمل/۱۱)؛ (۲) مهلت دادن به آن‌ها: ﴿وَ أَقْلَى لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ (قلم/۴۵)؛ ﴿وَ ذَرْنِي وَ الْمُكذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ مَهْلُهُمْ قَلِيلًا﴾ (مزمل/۱۱)؛ (۳) صبر کردن در برابر آن‌ها: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ﴾ (قلم/۴۸)؛ ﴿وَ اصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾ (مزمل/۱۰).

پس در مواردی که درباره ترتیب نزول چند سوره پس از سوره مشخصی اختلاف وجود دارد، می‌توان سوره‌ای را که بیشترین شباهت لفظی و محتوایی را با سوره مدنظر دارد، بر سایر سوره‌ها ترجیح داد و این شباهت‌ها را قرینه‌ای بر نزول آن سوره پس از سوره مذکور دانست؛ زیرا محتوای سوره‌های قرآن ناظر به اوضاع نزول است و اوضاع نزول سوره‌های متوالی النزول به هم نزدیک است؛ در نتیجه شباهت‌های لفظ و معنایی دارند و یک یا چند موضوع محوری در آن‌ها تکرار می‌شود.

ممکن است درباره کیفیت کشف ترتیب نزول سوره‌ها با استفاده از تشابه محتوایی دو سوره، این شبهه مطرح شود که چون بسیاری از سوره‌های قرآن در موضوعات مختلف با یکدیگر تشابه محتوایی دارند، به صرف تشابه محتوایی دو سوره نمی‌توان توالی نزول آن دو سوره را اثبات کرد؛ برای مثال، همان‌گونه که در سوره قلم با عبارت ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ﴾ و در سوره مزمل با عبارت ﴿وَ اصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ﴾ به پیامبر اکرم دستور داده شده است که در برابر رفتارهای نادرست مخالفان صبر کند، در ۱۴ سوره دیگر قرآن نیز چنین دستوری وجود دارد؛ مانند ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ﴾ (احقاف/۳۵) یا ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ آتِمًا أَوْ كَفُورًا﴾ (انسان/۲۴) یا ﴿فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ﴾ (طه/۱۳۰) که کاملاً شبیه آیه سوره مزمل است و برای تأیید نزول سوره مزمل پس از سوره قلم به آن اشاره شده بود.

برای پاسخ‌گویی به این شبهه باید به این نکته مهم توجه کرد که تشابه محتوایی دو سوره متوالی‌النزول، مرجح حل اختلاف روایات ترتیب نزول است و در جایی کاربرد دارد که حداقل یک روایت ترتیب نزول به توالی نزول این دو سوره اشاره کرده باشد؛ ولی تشابه محتوایی دو سوره، دلیل مستقل برای اثبات ترتیب نزول آنها نیست؛ از این رو ادعای ما این نیست که فقط به دلیل برخی شباهت‌های محتوایی دو سوره باید به توالی نزول آنها حکم کرد تا تکرار عبارات و موضوعات مشابه در سوره‌های دیگر موجب نقض این ادعا شود؛ بنابراین کسی نباید بگوید چون ﴿فَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ﴾ در سوره مزمل دلیل نزول آن پس از سوره قلم است، در سوره طه نیز می‌تواند دلیل نزول این سوره بعد از سوره قلم باشد؛ زیرا استناد به تکرار این عبارت در دو سوره مزمل و قلم برای ترجیح دیدگاهی است که در چند روایت ترتیب نزول مطرح شده؛ اما در هیچ روایت ترتیب نزولی به نزول سوره طه بعد از سوره قلم اشاره نشده است.

مرحله سوم: نقد دیدگاه‌های مخالف

برای کشف استدلالی ترتیب نزول سوره به‌روش روایی - اجتهادی پس از آوردن شواهدی که دیدگاه مختار را اثبات می‌کند، باید برای دفاع از این دیدگاه شواهد سایر دیدگاه‌های روایات ترتیب نزول را نقد و بررسی کرد تا ثابت شود هیچ دیدگاه دیگری درست نیست.

کشف استدلالی ترتیب نزول سوره فتح

روایات ترتیب نزول درباره جایگاه نزولی سوره فتح، چهار دیدگاه دارند و نزول این سوره را پس از سوره‌های ممتحنه، نور، تغابن و صف می‌دانند. در این روایات، فقط روایت ابی‌صالح از ابن‌عباس (یعقوبی، بی تا، ۳۳/۲) سوره فتح را بعد از سوره ممتحنه می‌داند. چهار روایت عکرمه، حسن بصری، ابن‌مسیب و مقاتل از امام‌علی علیه السلام بر نزول سوره فتح بعد از سوره تغابن توافق دارند (بی‌هقی، ۱۴۰۵: ۱۴۲/۷، ابن‌ندیم، بی تا: ۲۸). پنج روایت امام‌صادق علیه السلام (شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸/۱) عطا خراسانی، ابی‌کریب (ابن‌عربی،

۱۴۱۳: ۱۲/۲)، جابر بن زید (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۱۰/۱) و محمد بن مسلم زهری (زهری، ۱۴۰۹: ۳۲) آن را بعد از سوره صف می‌دانند. فقط روایت مقاتل بن سلیمان (شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸/۱) سوره فتح را بعد از سوره نور می‌داند؛ ولی این دیدگاه شاذ براساس شواهد زیر بر سایر دیدگاه‌ها ترجیح دارد.

دلیل اول: وقایع تاریخی سوره فتح

اکثر آیات سوره فتح به حوادث صلح حدیبیه و مسائل آن اشاره می‌کنند. ابتدا باید صلح حدیبیه را به اختصار توضیح دهیم.

خدای عزوجل در خواب به رسول گرامی خود مژده داد که به زودی همراه اصحابش داخل مسجدالحرام می‌شود، آنجا طواف می‌کند و سر خود را پس از مناسک عمره می‌تراشد. رسول خدا ﷺ این مطلب را به اصحاب خود خبر و دستور داد با او برای عمره حج عازم مکه مکرمه شوند. در ذی القعدة سال ششم هجرت، پیغمبر اکرم به سوی مکه حرکت و همه مسلمانان را به شرکت در این سفر تشویق کرد. جمعی از مهاجران و انصار و برخی اعراب بادیه‌نشین همراه ایشان عازم مکه شدند. این جمعیت که حدود ۱۴۰۰ نفر بودند، همگی لباس احرام بر تن داشتند و جز شمشیر، که اسلحه مسافران بود، هیچ سلاح جنگی برنداشتند.

هنگامی که پیامبر به عسفان در نزدیکی مکه رسید، باخبر شد سران قریش تصمیم گرفته‌اند از ورود او به مکه جلوگیری کنند. پیامبر به مسیر خود ادامه داد تا به حدیبیه در بیست کیلومتری مکه رسید. پیامبر به عمر دستور داد که به مکه برود و اشراف قریش را از هدف این سفر آگاه کند. عمر گفت بهتر است عثمان برود؛ زیرا نزد سران قریش اعتبار بیشتری دارد. به فرمان پیامبر عثمان به مکه رفت و سران قریش او را توقیف کردند. چیزی نگذشت که در میان مسلمانان شایعه شد او را کشته‌اند. پیامبر تصمیم گرفت به جنگ قریش برود و زیر درختی که آنجا بود، با یارانش تجدید بیعت کرد که به بیعت رضوان معروف شد. با آنان عهد بست که تا آخرین نفس مقاومت کنند. چیزی نگذشت که عثمان

سالم بازگشت. قریش به دنبال او سهیل بن عمرو را برای مصالحه خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرستاد. بعد از گفت و گوهای زیاد، پیمان صلحی منعقد شد. این پیمان در حقیقت پیمان تعرض نکردن همه جانبه بود که به جنگ‌های مداوم مسلمانان و مشرکان موقتاً پایان می داد. مقرر کردند تا ده سال آتش بس باشد و در این مدت، همه آزادند به پیامبر ایمان بیاورند یا به مشرکان مکه ملحق شوند و سال آینده مسلمانان اجازه دارند برای عمره سه روز به مکه بیایند. پس از این توافق نامه، مسلمانان قربانی خود را ذبح کردند، از احرام خارج شدند و آهنگ مدینه کردند؛ اما غم و اندوه بسیار بر قلب آن‌ها سنگینی می کرد؛ زیرا ظاهر قضیه، ناکامی و شکست بود؛ ولی خبر نداشتند که پشت داستان صلح حدیبیه چه پیروزی‌هایی برای مسلمانان و آینده اسلام نهفته است (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۳۱۰).

در صلح حدیبیه، مسلمانان به سه گروه تقسیم شدند. گروهی از ابتدا حاضر به همراهی ایشان و این سفر را خودکشی دسته جمعی نامیدند. افرادی هم که با پیامبر به مکه آمدند، پس از صدور فرمان صلح حدیبیه به دو گروه تقسیم شدند. بعضی با جان و دل این فرمان را پذیرفتند و گروهی دیگر نیز با تردید در مصلحت آمیز بودن این فرمان الهی بر نبرد با مشرکان مکه اصرار کردند و پذیرش این صلح را نوعی تحقیر مسلمانان دانستند. در این اوضاع، خدای سبحان با نزول سوره فتح و شمارش آثار و برکات صلح حدیبیه و حکمت‌های آن به همه مسلمانان یادآوری کرد که در هر وضعی، مصلحت اسلام و مسلمانان این است که کامل از فرمان پیامبر پیروی کنند، هر چند از نظر عقل ظاهرین آن‌ها به صلاح نباشد؛ زیرا حضرت محمد صلوات الله علیه رهبر عادی نیست که مناقشه کردن با او روا باشد، بلکه رسول خداست.

سوره فتح از شش گفتار تشکیل شده است. هر گفتار با اشاره به بخشی از داستان صلح حدیبیه، قسمتی از هدف بالا را دنبال می کند. گفتار نخست (آیات ۱ تا ۷) برای آنکه آشکار شود صلح حدیبیه پیروزی درخشان بود، نه صلح ذلت بار، دستاوردهای این صلح را برای مؤمنان برمی شمرد. این آیات به چهار دستاورد مثبت این صلح برای پیامبر، سه

دست‌آورد مثبت برای مؤمنان و پیامدهای منفی صلح حدیبیه برای منافقان اشاره می‌کند. در گفتار دوم (آیات ۸ تا ۱۰) خدای سبحان مؤمنان را به پایبندی به پیمانی دعوت می‌کند که با پیامبر پس از صلح حدیبیه بستند. این گفتار دو مطلب مهم دارد. ابتدا با بیان اهداف رسالت پیامبر و نعمتی که خدا به واسطه بعثت ایشان به مؤمنان عنایت کرده است، آن‌ها را به حمایت از دین خدا و گرامی داشتن پیامبر دعوت می‌کند. دوم به مؤمنان گوشزد می‌کند حال که پیامبر معاهده صلح را امضا کرده است، نباید با توهمات خود بیعت با ایشان را نادیده بگیرند و از فرمان حضرت پیروی نکنند؛ زیرا بیعت با پیامبر، بیعت با خداست.

گفتار سوم (آیات ۱۱ تا ۱۷) به بهانه‌های کسانی پاسخ می‌دهد که پیامبر را در سفر حدیبیه همراهی نکردند. آن‌ها دو بهانه برای تخلف از فرمان پیامبر ساخته بودند و می‌خواستند به محض بازگشت پیامبر، خدمت ایشان بروند و تخلف خود را توجیه کنند.

خدای سبحان پس از نکوهش کسانی که پیامبر را در سفر عمره حدیبیه همراهی نکرده بودند، در گفتار چهارم (آیات ۱۸ تا ۲۱) به تبیین لطف‌ها و پاداش‌هایی می‌پردازد که برای کسانی در نظر گرفته است که پیامبر را در این سفر همراهی کردند و در لحظات بحرانی که احتمال وقوع درگیری پیامبر و قبیله قریش بود، با رسول خدا بیعت کردند و آمادگی خود را برای دفاع از اسلام تا پای جان اعلام کردند.

شمارش لطف‌ها و عنایت‌های خدا به مؤمنان پس از صلح حدیبیه، این پرسش را برای مؤمنان مطرح کرد: اگر خداوند این همه به مؤمنانی لطف و توجه کرد که با پیامبر بیعت کردند، چرا در همان سفر آن‌ها را برای غلبه بر مشرکان مکه یاری نکرد؟ گفتار پنجم سوره (آیات ۲۲ تا ۲۸) می‌گوید حمله به مکه در آن زمان به مصلحت مؤمنان نبود و انعقاد قرارداد صلح حدیبیه منافع و برکات بیشتری برای مؤمنان داشت. در این آیات، علت صدور فرمان صلح حدیبیه، برتری قدرت نظامی مشرکان بر مسلمانان و احتمال پیروزی آن‌ها نیست، بلکه حفظ جان مؤمنان ناشناخته مکه، برخلاف تقوا بودن جنگ با مشرکان

در حدیبیه و تأمین امنیت حجاج در سفر زیارتی مکه است.

آیه پایانی سوره فتح، گفتار ششم، نتیجه‌گیری از محتوای سوره است و با شمارش ویژگی‌های یاران راستین پیامبر، همه مؤمنان را به این صفات دعوت می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد با پیروی همه‌جانبه از دستورات رسول خدا به پیروان واقعی او پیوندند تا از پاداش بزرگ خداوند بهره‌مند شوند.

پس همه آیات سوره فتح به صلح حدیبیه اشاره و احتمال نزول آن را پس از سوره نور (داستان افک، آیات ۱۱-۲۰) تقویت می‌کنند؛ زیرا ماجرای افک پس از جنگ بنی‌مصطلق در سال ششم ه.ق رخ داده است (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۳۰۲/۳).

دلیل دوم: روایات اسباب نزول

روایات متعددی به‌صراحت از نزول سوره فتح پس از صلح حدیبیه و در سفر بازگشت پیامبر از صلح حدیبیه به مدینه یاد می‌کنند. در روایتی آمده است وقتی پیامبر از حدیبیه که بیست کیلومتری مکه است، به مدینه می‌آمد، مرکبش سنگین شد و از حرکت بازایستاد. در همین حال، چهره مبارکش غرق سرور و شادمانی بی‌سابقه‌ای شد و گفت: «هم‌اکنون آیات سوره فتح بر من نازل شد.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۶۷/۹) محمدبن‌ابراهیم دارکی با اسناد از مسوربن مخرمه و مروان‌بن حکم نیز روایت می‌کند که اول تا آخر سوره فتح، بین مکه و مدینه، پس از صلح حدیبیه نازل شده است (واحدی، ۱۴۱۱: ۳۹۷). در حدیثی از انس آمده است:

«چون از غزوة حدیبیه بازگشتیم و آن درحالی بود که مشرکان مانع از حج

گزاردن ما شده بودند و غمگین و سرشکسته بودیم، "انا فتحنا" بر رسول الله ﷺ

نازل شد و فرمود: "آیه‌ای بر من فرود آمده است که از دنیا و هرچه در آن است،

آن را بیشتر دوست دارم." (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰۹/۹)

از آنجاکه صلح حدیبیه در سال ششم ه.ق اتفاق افتاده است، سوره فتح نیز باید در

همین سال نازل شده باشد. این تاریخ نزول با نزول این سوره بعد از سوره نور، که در سال

ششم ه.ق نازل شده، سازگار است و آن را تأیید می‌کند.

دلیل سوم: ارتباط نزولی محتوای دو سوره نور و فتح

ارتباط موضوعات دو سوره نشانه آن است که این دو در اوضاع یکسانی نازل شده‌اند؛ پس قرینه‌ای است بر نزول سوره فتح پس از سوره نور. باآنکه جهت‌گیری سوره نور برای نهادینه کردن عفاف در جامعه و جهت‌گیری سوره فتح درباره صلح حدیبیه است، این دو به سه موضوع مشترک اشاره می‌کنند که تأکیدشان بر ضرورت پیروی از فرمان رسول خدا در مسائل عمومی جامعه، مانند حضور در جنگ است. کیفیت ارتباط این موضوعات، قرینه روشنی بر این حقیقت است که در سوره نور موضوعاتی مطرح شده است و سپس با نزول سوره فتح هم بر موضوعات سوره نور تأکید و هم برخی مطالب این سوره با سوره فتح تکمیل شده است. موضوعات مشترک دو سوره به شرح زیر است:

۱- ضرورت پایبندی مسلمانان به پیمان‌هایشان با پیامبر در مسائل عمومی جامعه

نخستین موضوع مشترک و مهم سوره نور و فتح این است که خدای سبحان در آن‌ها به این حقیقت اشاره می‌کند که مسلمانان باید به پیمان‌هایی که با پیامبر می‌بندند، همیشه پایبند باشند و مانند منافقان نباشند که هرگاه پیامبر آن‌ها را به کار مهمی فرامی‌خواند، از آن فرار می‌کردند و به تعهدات خود پایبند نبودند. این حقیقت در سوره نور چنین است که خدای سبحان درباره یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین می‌فرماید: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ (نور/ ۶۲)** معنای آیه این است که مؤمنان راستین فقط کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و وقتی با پیامبر بر سر امری از امور عمومی مانند جهاد اجتماع می‌کنند و به پیامبر تعهد می‌دهند با ایشان باشند، هرگز پی کار خود نمی‌روند و از آن جناب روی نمی‌گردانند، مگر از ایشان اجازه گرفته باشند (طباطبایی، ۴۱۷: ۲۳۰/۱۵)

در سوره فتح همراهی با پیامبر و پایبندی به بیعت در صلح حدیبیه، یکی از مصادیق بارز «امر جامع» است که در سوره نور آمده بود. خدای سبحان در سوره فتح به مؤمنان

می گوید پیامبر را به رسالت فرستادیم تا شما به خدا و رسولش ایمان بیاورید، با تلاش برای پیشبرد دین، رسول خدا را یاری کنید، او را گرامی بدارید و خدا را صبح و عصر تسبیح کنید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ (فتح / ۸-۹) آن گاه به مؤمنان اعلام می کند باید به پیمانشان در جریان صلح حدیبیه با پیامبر (بیعت رضوان) پایبند باشند و به پیامبر اکرم می فرماید:

«به راستی کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند. دست تو به منزله دست خداست که برای بیعت بالای دست های آنان قرار دارد؛ پس هر کس بیعتش را با تو بشکند، بیعت با خدا را شکسته است و خدا از آن زبانی نمی بیند، بلکه او به خود زیان رسانده است و هر کس به پیمان خود با خدا وفا کند، به زودی خدا پاداش بزرگی به او خواهد بخشید.» (فتح / ۱۰)

تأکید بر همراهی پیامبر در امور عمومی در سوره نور، مقدمه ای است برای بیان ضرورت پایبندی به بیعت با پیامبر در صلح حدیبیه که در سوره فتح آمده است و می تواند قرینه ای بر نزول سوره فتح پس از سوره باشد.

۲- اشاره به سرپیچی منافقان از دستورات پیامبر برای حضور در سپاه اسلام

دومین موضوع مشترک سوره نور و فتح و مؤید ارتباط نزولی محتوایی دو سوره، اشاره آیات دو سوره به رفتار نفاق برانگیز برخی مسلمانان با پیامبر و سرپیچی از دستورات ایشان برای حضور در لشکر اسلام است. در سوره نور خدای سبحان درباره روش منافقان می گوید:

«منافقان می گویند به خدا و پیامبر ایمان آوردیم و به فرمان پیامبر خدا گردن نهادیم؛ ولی هنگام عمل به دستورات پیامبر، گروهی از فرمان رسول خدا روی برمی گردانند. این رفتار آنها نشان می دهد که اینان اصلاً اهل ایمان نیستند.» (نور / ۴۷)

در ادامه، خدای سبحان به نمونه ای از رفتارهای منافقان برای حضور نیافتن در لشکر

اسلام اشاره می‌کند: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (نور/ ۵۳) در این آیه، خدای سبحان درباره کیفیت برخورد منافقان با دستورات پیامبر اکرم می‌گوید آنان به شدت سوگند می‌خورند که اگر به ایشان دستور دهی برای جهاد از شهر خارج شوید، بی‌شک خارج خواهند شد؛ اما چون هرگز حاضر نیستند به فرمان عمل کنند و به لشکر اسلام بپیوندند، به آن‌ها بگو جهاد کردن در راه خدا واجب است و به سوگند خوردن نیاز ندارد. خدا به کارهای شما کاملاً علم دارد، فریب قسم‌های غلیظ شما را نمی‌خورد و می‌داند شما در لشکر اسلام حضور نخواهید یافت (طباطبایی، ۴۱۷: ۲۰۷/۱۵).

در سوره فتح نیز خدای سبحان به نمونه دیگری از رفتار منافقان برای همراهی نکردن پیامبر برای حضور در لشکر اسلام اشاره می‌کند:

«به زودی اعراب بادیه‌نشینانی که از فرمان تو تخلف کردند، با تو به سفر عمره نیامدند و در لشکر اسلام حاضر نشدند، نزد تو می‌آیند و می‌گویند مشکلات شخصی مانند رسیدگی به امور مالی و مشکلات زن و فرزندان ما را به خود مشغول کرد و نتوانستیم در این سفر با شما همراه شویم! اکنون عذر ما را بپذیر و برای ما از خدا طلب آمرزش کن!» (فتح / ۱۱)

بدین ترتیب خدای سبحان در سوره نور به سوگند دروغ منافقان برای حضور در لشکر اسلام اشاره می‌کند که مقدمه‌ای برای این نکته در سوره فتح می‌شود که منافقان برای عمل نکردن به سوگند خود و حضور نیافتن در سپاه اسلام چه بهانه‌هایی می‌تراشند. ارتباط معنایی این دو مطلب در سوره نور و فتح را می‌توان قرینه‌ای بر نزول سوره فتح پس از سوره نور دانست.

۳- تأکید بر این نکته که فقط افراد ناتوان از دستورات شرعی معافند

سومین موضوع مشترک سوره نور و فتح و نشانه ارتباط محتوایی دو سوره این است که هر دو با عبارت لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ

به این حکم شرعی اشاره می‌کنند که افرادی که به دلیل مشکلات جسمانی توانایی عمل به تکالیف شرعی را ندارند، از برخی دستورات خدا و پیامبر معافاند.

در سوره نور این حکم برای بیمارانی است که می‌خواهند از غذای خانه خویشاوندان و دوستانشان استفاده کنند (نور / ۶۱). در سوره فتح این حکم برای کسانی است که به دلیل بیماری جسمی نمی‌توانند در جبهه حضور یابند: «بر افراد نابینا، لنگ و بیمار هیچ گناه و حرجی نیست، اگر در میدان جهاد شرکت نکنند» و نباید آن‌ها را نکوهش کرد؛ اما کسانی که هیچ عذر شرعی ندارند، مستحق نکوهش و تنبیه‌اند؛ زیرا از فرمان خدا و پیامبر سرپیچی کرده‌اند؛ از این رو بخش پایانی آیه بر پاداش پیروی از پیامبر در جنگ‌های آینده و کیفر مخالفت با ایشان تأکید می‌کند: «هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند خداوند او را در بوستان‌هایی آکنده از درخت که از زیر آنها نهرها روان است وارد می‌کند و هر کس از فرمان خدا و رسولش روی برتابد، او را به عذابی دردناک مجازات خواهد کرد.»

بررسی سه موضوع مشترک نشان می‌دهد این دو سوره در اوضاعی نازل شده‌اند که وقوع یک امر عمومی، یعنی همراهی با پیامبر برای سفر عمره به مکه برای نشان دادن اقتدار مسلمانان فرارسیده بود؛ ولی برخی مسلمانان حاضر به همراهی پیامبر نبودند و با بهانه‌هایی مانند داشتن مشکلات شخصی از دستورات پیامبر سرپیچی کردند؛ درحالی‌که فقط بیماران اجازه همراهی نکردن پیامبر را داشتند. کیفیت ارتباط این موضوعات نشان می‌دهد سوره نور مطالبی دارد که زمینه مناسبی برای موضوعات مهم دیگری در سوره فتح‌اند: قرینه‌ای بر نزول سوره فتح پس از سوره نور.

نقد دیدگاه‌های مخالف در ترتیب نزول سوره فتح

گفتیم روایات ترتیب نزول، درباره جایگاه نزولی سوره فتح چهار دیدگاه دارند و نزول این سوره را پس از سوره‌های ممتحنه، نور، تغابن و صف می‌دانند. چون اثبات کردیم سوره فتح پس از سوره نور نازل شده است، برای تقویت این دیدگاه و دفاع از آن لازم است سایر دیدگاه‌ها به‌ویژه دیدگاه‌هایی را بررسی و نقد کنیم که روایات ترتیب نزول

بیشتری آن‌ها را تأیید می‌کنند.

۱. نقد نزول سوره فتح پس از سوره ممتحنه

در روایات ترتیب نزول، فقط یک روایت ابی‌صالح از ابن‌عباس سوره فتح را سوره نازل‌شده بعد از سوره ممتحنه معرفی کرده است. این جایگاه نزولی نامقبول است؛ زیرا سوره ممتحنه به سه حادثه تاریخی در آستانه فتح مکه و پس از صلح حدیبیه اشاره می‌کند. این حوادث عبارت‌اند از: اشاره آیات ۱ تا ۹ سوره به نامه‌نگاری حاطب بن ابی‌بلتعنه به سران قریش در آستانه لشکرکشی پیامبر به مکه (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۶)؛ اشاره آیات ۱۰ و ۱۱ به ایمان آوردن چند نفر از زنان مانند ام‌کلثوم بنت عقبه پس از صلح حدیبیه و بازنگرداندن وی به مکه براساس یکی از بندهای صلح حدیبیه (ابن‌هشام، ۱۳۸۳: ۳۴۰/۳)؛ اشاره آیه ۱۲ سوره ممتحنه به روش بیعت پیامبر با زنانی که پس از صلح حدیبیه از مکه به مدینه هجرت کرده و به ایشان ایمان آورده بودند. این حوادث تاریخی نشان می‌دهد سوره ممتحنه پس از صلح حدیبیه و قبل از فتح مکه در سال هشتم ه.ق نازل شده است؛ درحالی‌که اگر سوره فتح را بعد از سوره ممتحنه بدانیم، نزول آن قبل از رویدادهایی چون صلح حدیبیه و فتح مکه و در سال ششم ه.ق خواهد بود که با اشاره‌های تاریخی این سوره ناسازگار است.

۲. نقد نزول سوره فتح پس از سوره‌های تغابن و صف

سه روایت عکرمه، حسن بصری و مقاتل از امام علی علیه السلام بر نزول سوره فتح بعد از سوره تغابن توافق دارند و سوره فتح را در ردیف ۱۱۲ قبل از سوره مائده و توبه قرار داده‌اند. روایاتی مانند روایت عطا خراسانی، روایت ابی‌کریب، روایت جابر بن زید و روایت زهری سوره فتح را سوره بعد از سوره صف می‌دانند و اکثرشان سوره فتح را در ردیف ۱۱۳ قبل از سوره مائده یا توبه قرار داده‌اند.

علاوه بر آنکه هیچ‌یک از شواهد ترجیح‌دهنده روایات ترتیب نزول، این دو دیدگاه را تأیید نمی‌کند، این روایات به دو دلیل نیز نمی‌توانند جایگاه نزولی سوره فتح را اثبات

کنند: (۱) محتوای سوره فتح و انبوه روایات سبب نزول بر نزول سوره فتح پس از صلح حدیبیه در سال ششم ه.ق تأکید می‌کنند؛ درحالی‌که اگر سوره فتح بعد از سوره تغابن یا صف در ردیف ۱۱۲ یا ۱۱۳ جدول ترتیب نزول قرار داشته باشد، باید در سال‌های پایانی هجرت مانند سال نهم و دهم نازل شده باشد؛ (۲) این ترتیب نزول با روایاتی در تعارض‌اند که بر نزول سوره تغابن قبل از سوره صف و نزول سوره صف قبل از سوره جمعه تأکید می‌کنند؛ پس این روایات نمی‌توانند نزول سوره فتح را بعد از سوره تغابن یا صف اثبات کنند.

نتیجه‌گیری

از این مقاله، دو نتیجه مهم به دست می‌آید:

۱- از سه روش کشف ترتیب نزول سوره‌ها، روش روایی - اجتهادی علمی‌ترین و دقیق‌ترین روش است؛ زیرا برای شناسایی جایگاه نزولی سوره به روش استدلالی علمی سه مرحله را طی می‌کند: (۱) جایگاه نزولی سوره را در مجموع روایات ترتیب نزول شناسایی می‌کند و در صورت اجماع روایات بر جایگاه سوره، این ترتیب نزول را می‌پذیرد؛ (۲) در صورت نبود اجماع روایات بر جایگاه نزولی سوره، جایگاه مشهور سوره را با شواهد قرآنی و روایی مانند وقایع تاریخی سوره، روایات اسباب نزول، ارتباط نزولی محتوای دو سوره و روایات مکی و مدنی ارزیابی می‌کند و هر دیدگاهی را که با این شواهد تأیید شود، جایگاه نزولی سوره می‌داند؛ (۳) برای تثبیت دیدگاه تأییدشده، دیدگاه‌های مخالف را نقد می‌کند.

۲- روایات ترتیب نزول، چهار دیدگاه درباره جایگاه نزولی سوره فتح دارند و این سوره را پس از سوره‌های ممتحنه، تغابن، صف و نور می‌دانند. اکثر روایات ترتیب نزول، سوره فتح را در ردیف آخرین سوره‌های نازل‌شده، یعنی ۱۱۲ یا ۱۱۳ گزارش کرده‌اند؛ ولی در این نوشتار با سه دلیل به روش روایی - اجتهادی ثابت کردیم این سوره پس از سوره نور نازل شده است و در رتبه ۹۳ جدول ترتیب نزول قرار دارد. دلیل اول، وقایع

تاریخی سوره فتح و دلیل دوم، روایات اسباب نزول و دلیل سوم، ارتباط نزولی محتوای دو سوره نور و فتح است.



منابع

۱. ابن عربی معافری، ابوبکر (۱۴۱۳)، **الناسخ والمنسوخ فی القرآن الکریم**، تحقیق: عبدالکبیر العلوی المدغری، مکتبة الثقافة الدينية، قاهره.
۲. ابن ندیم بغدادی (بی تا)، محمد بن اسحاق، **فهرست ابن ندیم**، تحقیق: رضا تجدد، بی نا، بی جا.
۳. ابن هشام حمیری (۱۳۸۳)، **السیرة النبویة**، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، مکتبة محمد علی صبیح و اولاده، قاهره.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۵۵)، **سیر تحول قرآن**، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، قلم، تهران.
۵. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، **دلائل النبوة**، تعلیق عبدالمعطی قلعجی، دارالکتب العلمیة، بیروت.
۶. خامه گر، محمد و جواد سلمان زاده (۱۳۹۲)، **ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم**، پژوهش های قرآنی، ش ۷۳، ص ۹۶ - ۱۲۳.
۷. زهری، محمد بن مسلم (۱۴۰۹)، **اربعه کتب فی الناسخ و المنسوخ**، تحقیق: حاتم ضامن، صالح، عالم الکتب - مکتبة النهضة العربیة، بیروت.
۸. سلمان زاده، محمد جواد (۱۳۹۶) **مبانی و قواعد کشف استدلالی ترتیب نزول سوره های قرآن**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱)، **الإتقان فی علوم القرآن**، دار الکتب العربی، بیروت.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، **الدر المثور فی التفسیر بالمأثور**، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم.
۱۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۷۶)، **مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار**، تحقیق: محمد علی آذرشب، احیاء کتاب دفتر نشر میراث مکتوب، تهران.
۱۲. صالح، صبحی (۱۹۶۸)، **مباحث فی علوم القرآن**، دارالعلم، بیروت.

۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی
جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران.
۱۵. القمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، دار الکتب، قم.
۱۶. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵)، التمهید فی علوم القرآن، النشر الاسلامی، قم.
۱۷. نکونام، جعفر (۱۳۸۰)، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، هستی نما، تهران.
۱۸. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱)، اسباب نزول القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۱۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی تا) تاریخ الیعقوبی، دار الاعتصام، قم.

